

تحولات نظام آزادی مشروط در حقوق ایران با تاکید بر قانون جدید مجازات اسلامی

فاطمه افشارمنش (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

.....@.....com

.....

عضو هیات علمی، گروه حقوق، دانشگاه،، ایران

.....@.....com

چکیده

با مطالعات صورت گرفته در علم کیفرشناسی مشخص شده، مجازات حبس دارای آثار سوئی است که مرتکب جرم، خانواده او و در کل جامعه را متضرر می‌سازد و منافع آن کمتر از هزینه‌های آن است. از این رو، امروز سیاست حبس زدایی به عنوان یکی از مصادیق کیفرزدایی مورد توجه سیاست گذاران عمومی بوده است. آزادی مشروط زندانیان محکوم به حبس راهکاری مفید و مؤثر در کاهش جمعیت کیفری است که قانونگذار در فصل هشتم از باب دوم قانون مجازات اسلامی به آن پرداخته است و شرایط و چگونگی اعمال آن در ماده ۵۸ به بعد از قانون مرقوم پیش بینی شده است. وفق مقررات ماده یاد شده، دادگاه صادرکننده حکم می‌تواند در مورد محکومان به حبس بیش از ۱۰ سال، پس از تحمل نصف آن و در سایر موارد پس از تحمل یک سوم مدت حبس، به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام با رعایت شرایط مقرر حکم به آزادی مشروط صادر کند. در قانون جدید مجازات اسلامی راهکارهای موثری برای آزادی مشروط ارایه شده و گام‌های موثری برای کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها برداشته شده است که آزادی مشروط بعد از عفو، مطلوب‌ترین تشویق برای زندانیان است، زیرا به موجب آن آزادی خود را به دست آورده و برای ورود به جامعه و زندگی اجتماعی آماده می‌شوند. واژگان کلیدی: آزادی مشروط، اصل فردی کردن مجازات‌ها، حبس، اصلاح مجرم.

مقدمه

وضع و خلق قوانین کیفری هدفی جزء تامین امنیت افراد جامعه و جلوگیری از رواج بی بندوباری بدنیا نخواهد داشت سیاست کیفری هرچند در ابتدا تمام اندیشه اش، تشدید مجازات بود و تنها عامل بازدارندگی را اعمال مجازات تلقی می‌کرد اما با گذر زمان و بی‌فایده بودن مجازات‌ها به سمت نهادینه کردن سیاست ترمیمی حرکت کرده تا علاوه بر سودمندی مجازات‌ها، در اصلاح بزهکاران هم گام‌های موثری بر دارد لذا نهاد آزادی مشروط با توجه به همین رویکرد برای اصلاح و انطباق اجتماعی بزهکار تاسیس گردید تا چنانچه نشانه‌های از آمادگی

محکوم عیله برای بازگشت به جامعه و ادامه یک زندگی شرافتمندانه وجود داشت تحت شرایطی، بخشی از مجازات تعلیق و موجبات آزادی فراهم گردد تا به موجب این انطباق محکوم عیله از محیط جرم زای زندان و تماس با بزهکاران حرفه ای در امان و مصون بماند.

از سویی، امروزه با اینکه تلاش های فراوانی برای بهبود وضعیت زندان صورت گرفته است، اصلاح و درمان بزهکاران که به عنوان یکی از اهداف اصلی این مجازات مورد توجه بود، با تردیدهای جدی روبه رو شده است (آشوری، ۱۳۹۴: ۳۸) و تجربه به مدد آمار تکرار جرم نشان داد ارتکاب مکرر جرم به صورت حرفه ای بیشتر توسط کسانی که سابقه زندان داشته اند، اتفاق می افتد و این مجازات نه تنها باعث بازپروری مجرمان نمی شود، بلکه در انتقال فرهنگ بزهکاری به مجرمان تازه کار و تبدیل آنها به مجرمان حرفه ای نیز مؤثر بوده است (مکشین و ویلیامز، ۱۳۸۱: ۱۶۰). علاوه بر این، بالا بودن تعداد زندانیان و مشکلاتی که در کشورهای مختلف در اداره زندان ها و تورم جمعیت آنها و تحمیل هزینه های کلان به بودجه عمومی ایجاد شده، دانشمندان علوم جنایی و دست اندرکاران نظام عدالت کیفری را بر آن داشته است تا به فکر راهکارهایی برای کاهش جمعیت زندانیان باشند (آلبریچ، ۲۰۱۲: ۱). بنابراین، شاید بتوان گفت مجازات حبس تنها بتواند ابزاری برای ناتوان سازی بزهکاران و جدا کردن مجرمان خطرناک از جامعه و به عبارتی مدیریت خطر مجرمان در نظر گرفته شود.

توجه به آثار سوء مجازات حبس و توجه به این نکته که قانون گذار با وضع مجازات حبس به عنوان یکی از مجازات های اصلی از نظام حقوقی اسلام فاصله گرفته (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۰: ۶۸) باعث شده است امروزه در کنار سیاست های جرم زدایی^۲ و قضازدایی^۳ که هر کدام به نحوی باعث می شود از مشتریان نظام کیفری کاسته شود، سیاست کیفرزدایی^۴ مورد توجه قانون گذار ایران قرار گیرد. یکی از بارزترین مصادیق سیاست کیفرزدایی تبدیل مجازات حبس به مجازات های جایگزینی است که آثار سوء کمتری داشته باشد.

از جمله این روش ها، نهاد آزادی مشروط زندانیان می باشد. قانون گذار با الهام گرفتن از داده های جرم شناسی، مبادرت به پیش بینی قوانین راجع به آزادی مشروط نموده تا چنان چه در حین اجرای مجازات، دادستان و مقامات زندان متوجه اصلاح و متنه شدن زندانی شوند، با درخواست وی و جمع شرایط مبادرت به آزادی مشروط وی نمایند، چه اینکه هدف امروزی اعمال مجازات ها، اصلاح و انطباق پذیر کردن مجرمین با جامعه است و با نیل به این مهم، نگهداری مجرم اصلاح شده، در بند، نتیجه ندارد جز تحمیل یک سری از هزینه ها. به هر روی قانونگذار جدید مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ افزایش موارد استفاده از این نهاد را سرحوله کار خود قرار داده همانگونه که در سایر مواد نیز می توان روش های دیگری در جهت فردی کردن مجازات ها یافت.

آزادی مشروط اعطای آزادی ای است که پیش از پایان دوره محکومیت به محکومان به حبس داده می شود تا

1 Albrecht
2 Decriminalization
3 Diversion
4 Depenalization

چنانچه در طول مدتی که دادگاه تعیین میکند از خود رفتاری پسندیده نشان دهند و دستورهای دادگاه را اجرا کنند، از آزادی مطلق برخوردار شوند. این اقدام در جهت اصلاح بز هکار و آماده ساختن وی برای بازگشت به زندگی اجتماعی صورت می‌گیرد. آزادی مشروط شامل کلیه زندانیان اعم از زن و مرد با هر سنی می‌گردد (گلدوزیان، ۱۳۷۸: ۹). به عبارت دیگر آزادی مشروط تأسیسی است که موجب می‌گردد چنانچه محکوم‌علیه در دوره ی آزادی آزمایشی، به اعتماد دستگاه قضایی پاسخ مثبت دهد، از آزادی قطعی برخوردار شود. آزادی مشروط فرصتی است که پیش از پایان دوره ی محکومیت، به محکومان در بند داده می‌شود، تا چنانچه در طول مدتی که دادگاه تعیین می‌کند، از خود رفتاری پسندیده نشان دهند و دستورات دادگاه را به مورد اجرا گذارند، از آزادی مطلق برخوردار شوند. همواره فرض بر این است که این نهاد ارفاقی، در کنار احیای اصل فردی کردن مجازات‌ها، سازگاری اجتماعی و بازپروری محکومان به حبس را تسهیل می‌کند. در همین راستا، قانونگذار ایران نیز طی قوانین و مقررات مختلف، از این تأسیس جزایی بهره جسته و از جمله در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مجریان قانون را با تحولات قابل توجهی نسبت به قانون مجازات ۱۳۷۰ مواجه ساخته است.

۱- سیر تحولات تقنینی آزادی مشروط

پس از اینکه عدم کارایی زندان، مشخص گردید، تدابیر مختلفی برای کاهش جمعیت کیفری زندان، اندیشیده شد که از جمله آنها «آزادی مشروط» بوده است. گفته شده عقیده به آزادی مشروط از قرن ۱۹ میلادی با پیدایش مکتب تحقیقی (اثباتی) حقوق جزا و سپس از ناحیه مکتب دفاع اجتماعی، مطرح و مورد حمایت قرار گرفت (نوروزی فیروز، ۱۳۹۰: ۴۸۵). سابقه‌ی تاریخی پیدایش این نهاد در حقوق جزای ایران به شرح زیر است:

- قانون راجع به وادار نمودن محبوسین غیرسیاسی به کار مصوب ۱۳۱۴

سابقه‌ی آزادی مشروط در کشور ما به قانون راجع به وادار نمودن محبوسین غیرسیاسی به کار (مصوب اسفندماه ۱۳۱۴) برمی‌گردد. مطابق این قانون آزادکردن محکومان به حبس، مشروط به رضایت آنان به کار در «مؤسسات فلاحتی یا صنعتی» بود. یعنی نوعی آزادی مشروط به اشتغال به کار توأم با محافظت (اردبیلی، ۱۳۹۱: ۲۴۳).

- ماده واحده قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان مصوب ۱۳۳۷

این قانون مصوب اسفندماه ۱۳۳۷ مشتمل بر اصل ماده و ۹ تبصره می‌باشد، که شرایط و تشریفات اعطای آزادی مشروط را معین کرده و نحوه‌ی اعمال آن را توسط دادگاه مشخص می‌ساخت. با تصویب این ماده واحده، آزادی مشروط به مفهوم امروزی آن نزدیکتر شد.

مطابق این قانون: «در مورد جنحه پس از گذشت نصف از مجازات حبس و در مورد جنایت پس از گذشت دو ثلث از مجازات، مشروط بر آنکه شخص برای بار اول محکوم به حبس شده باشد، به طور مشروط آزاد می‌شود (صبری، ۱۳۸۹: ۳).

نکته قابل توجه در این ماده واحده این است که محکومین به حبس ابد نیز پس از طی ۱۲ سال از مجازات حبس

خود امکان استفاده از آزادی مشروط را دارند.

- قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱

این قانون مصوب مهرماه ۱۳۶۱، با قبول کلیات ماده واحده مصوب ۱۳۳۷ در قالب ماده ۳۹ آزادی مشروط را پذیرفت و آن را منحصر به مجازات حبس تعزیری کرد.

- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰

فصل چهارم این قانون مصوب ۸ مردادماه ۱۳۷۰ با عنوان آزادی مشروط زندانیان از باب دوم (مجازات ها و اقدامات تأمینی و تربیتی) از کتاب اول (کلیات) مشتمل بر مواد ۳۸، ۳۹ و ۴۰ به آزادی مشروطاً اختصاص داده شده است که البته، ماده ۳۸ آن بعداً در سال ۱۳۷۷ با تصویب قانون اصلاح دو ماده و الحاق یک ماده و یک تبصره به قانون مجازات اسلامی مورخ ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۷۷، اصلاح شد.

- قانون مجازات اسلامی مصوب اول اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۲

فصل هشتم از کتاب اول این قانون تحت عنوان نظام آزادی مشروط طی مواد ۵۷ تا ۶۲ با تغییرات قابل توجهی نسبت به قانون سال ۱۳۷۰ به این امر اختصاص داده شده است. این قانون آخرین قانون تصویب یافته در خصوص آزادی مشروط در قوانین جمهوری اسلامی می باشد.

۲- مبانی آزادی مشروط

الف: نیل به هدف اصلاحی مجازات پیش از اتمام مجازات

همانگونه که اشاره شد، هدف اصلی مجازات، اصلاح و تربیت مجدد مجرم برای زندگی کردن در اجتماع است. پس در صورتی که این هدف قبل از خاتمه‌ی مدت محکومیت تحقق یابد، ادامه بازداشت زندانی خلاف عقل و منطق و متضمن خطراتی است که در صورت توقف بیشتر زندانی در محیط زندان احتمالاً پیش می آید. به علاوه نظام جزایی با اعطای آزادی مشروط به مجرمی که دارای شرایط مساعد است، در مخارج عمومی صرفه جویی می کند و راه را برای اصلاح مجرمین دیگر باز می نماید.

داده‌های فوق در مسیر یا اهرم کمکی اصل فردی کردن مجازات‌هاست. این اصل یا سیاست گویای این مطلب است که قاضی دادگاه کیفری علاوه بر اینکه می بایست بر علوم مرتبط همچون جامعه شناسی، اقتصاد، روانشناسی جنایی، روانکاوی، روانپزشکی و ... نیز احاطه کافی داشته باشد (فرج‌اللهی، ۱۳۸۹: ۳۶۶). بی شک چنان چه قاضی دادگاه کیفری جامع علوم مورد نیاز قضاوت نیز باشد بازهم امکان پیش‌بینی زمان اصلاح مجرم امکانپذیر نیست و نهاد آزادی مشروط امکان بازبینی را در جهت اعمال اصل مزبور مهیا می کند.

ب: ایجاد انگیزه‌های اصلاحی در محبوسین

وجود نهاد حقوقی «آزادی مشروط» خود می تواند انگیزه مؤثری در اصلاح و تربیت اجتماعی مجرمین باشد. چون بنا به فرض زندان برای غالب افراد محیطی رنج‌آور و ناراحت کننده است، پس امید به آزادی مشروط می تواند نقش مهمی را از نظر تربیت زندانی و تشویق او به حسن رفتار داشته باشد، با توجه به این مطلب حتی در مجازات

حبس دایم هم پیش‌بینی استفاده از آزادی مشروط شده است (صانعی، ۱۳۸۸: ۸۱۳).

ج: مقابله و جلوگیری از تکرار جرم

سیاست‌گذاران کیفری آزادی مشروط را یکی از ابزارهای مقابله با تکرار جرم شناخته و امیدوارند که تهدید اجرای مجازات در مدت آزادی مشروط تغییر مطلوبی در رفتار محکوم پدید آورد. به این ترتیب، فرض بر این است که، سازگاری اجتماعی محکومان به حبس که عموماً پس از پایان محکومیت و از سرگیری زندگی جدید با دشواری جدی روبرو هستند و احتمال سقوط آنها قوی است، تسهیل گردد. به هرروی آنچه مسلم است اینکه، گاه نرمش، بهتر از شدت عمل و سخت‌گیری موفق می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۳۳).

۳- شرایط شکلی و ماهوی آزادی مشروط

برابر ماده ۵۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ مجلس شورای اسلامی صدر حکم آزادی مشروط در صلاحیت دادگاه صادره کننده محکومیت قطعی است. هنگامی که حکم دادگاه بدوی عیناً تایید گردد آن دادگاه، دادگاه صادر کننده حکم قطعی خواهد بود اما چنانچه با اصلاحات یا تغییراتی در مرجع تجدیدنظر مورد تجدیدنظر قرار گرفت باشد، این دادگاه صادر کننده حکم قطعی محسوب است. صدور حکم آزادی مشروط منوط است به گزارش رئیس زندان محل گذران محکومیت و قاضی اجرای احکام و در صورت تائید و احراز شرایط پیشنهاد آزادی مشروط به دادگاه صادرکننده محکومیت ارسال می‌گردد.

به علاوه، در مورد پرداخت یا قرار پرداخت ضرر و زیان مورد حکم دادگاه (یا مورد موافقت مدعی خصوصی) در حد استطاعت، همچنین پرداخت جزای نقدی و یا ترتیب پرداخت آن با موافقت دادستان (در مورد حبس توام با جزای نقدی) تایید قاضی مجری حکم الزامی است.

شرایط ماهوی و فردی و شخصی آزادی مشروط عبارتند از:

الف: شرایط مربوط طبیعت مجازات

۱. عبارت حبس در ماده ۳۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ به صورت مطلق به کار رفته بود اما مسلم بود که شامل حبس‌های تعزیری و بازدارنده است و شامل حدود (مانند سرقت برای بار سوم) نمی‌شود زیرا مجازات حدود غیرقابل تغییر است اما این موضوع در ق.م.ا مصوب سال ۱۳۹۲ اصلاح شده است. ماده ۵۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ معلوم می‌سازد، که کسانی که می‌توانند از آزادی مشروط استفاده نمایند که به مجازات حبس تعزیری محکوم شده باشند بنابراین آنچه باید مورد توجه قرار گیرد کیفر حبس است لذا چنانچه به هر شکل درخواست مجازات‌های دیگری شده باشد اما دادگاه کیفر حبس را حکم دهد، آزادی مشروط قایل پذیرش است بنابراین افراد تبعیدی چه در زندان و چه در خارج از زندان، مشمول مقررات آزادی مشروط نمی‌شوند. با توجه به ماده ۳۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ که می‌گوید؛ هر کس برای بار اول به علت ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم شده باشد شخصی که قبلاً محکومیت به حبس پیدا کرده بود نمی‌توانست از آزادی مشروط استفاده کند اما این محدودیت در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برداشته شده است.

ب: شرایط مربوط به حکم

تحمل نصف مدت محکومیت به حبس بیش از ده سال و در سایر موارد پس از تحمل یک سوم مدت مجازات. ملاک احتساب نصف، مجازات مقرر شده در دادنامه است نه مجازات تقلیل یافته بر اثر عفو (نظریه شماره ۷/۳۲۰۹-۱۳۷۸/۵/۱۱ حبس بدل از جزای نقدی مشمول مقررات آزادی مشروط نمی شود. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ شخصی که قبلاً محکومیت به حبس پیدا کرده بود نمی توانست از آزادی مشروط استفاده کند اما در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این محدودیت برداشته شده است اگر حبس محکوم علیه با اعمال ماده ۲۵ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری تخفیف یابد ملاک محاسبه نصف حکم جدید است نه حکم اولیه (۷/۴۰۱۶-۱۳۷۸/۸/۹).

باید توجه داشت که اجرای نصف از مجازات ها در مورد محکومان به حبس ابد، حتی پس از عفو و تقلیل مجازات از شمول آزادی مشروط خارج است (نظریه ۷/۱۴۴۵-۱۳۷۲/۷/۲۵) در این مورد نظری هم وجود دارد که معتقد است با عدم نسخ آن قسمت از ماده واحده آزادی مشروط زندانیان مصوب ۱۳۳۷ این ماده از اعتبار برخوردار است و در موارد سکوت قانونی می توان به آن استناد کرد بنابراین محکومان به حبس های دایم پس از گذران ۱۲ سال حبس ممکن است از آزادی مشروط استفاده نمایند (اردبیلی، ۱۳۹۱).

ج: شرایط مربوط به محکوم

محکوم در صورتی که به حبس بیش از ده سال محکوم شده باشد باید با تحمل نیمی از محکومیت و در سایر موارد پس از تحمل یک سوم باید واجد شرایط زیر باشد تا بتواند از آزادی مشروط استفاده کند.

۱. محکوم باید در مدت اجرای مجازات همواره از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد تا اطمینان بر اصلاح و ندامت مجرم حاصل گردد.

۲. حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی دیگر مرتکب جرمی نمی شود احراز این مطلب اگرچه در عمل مشکل است اما به هر حال، با توجه به اوضاع و احوال و شرایط محکوم می توان تا حدی به این پیش بینی دست یافت.

۳. تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیانی که مورد حکم دادگاه یا مورد موافقت مدعی خصوصی واقع شده است بپردازد یا قرار پرداخت آن را بدهد و در مجازات حبس توام با جزای نقدی مبلغ مزبور را بپردازد، بنابراین، جلب رضایت مدعی خصوصی شرط استفاده از آزادی مشروط قانونا نیست ولی معمولاً دادگاهها در پرونده هایی که شاکی دارد در صورت عدم جلب رضایت شاکی و یا عدم پرداخت ضرر و زیان حکم به رد درخواست آزادی مشروط می دهند. افلاس یا اعسار محکوم عیله مانع استفاده وی از آزادی مشروط با احراز شرایط دیگر نیست ولی باید اعسار یا افلاس مورد ادعا مورد قبول دادگاه و صدور حکم در این مورد شده باشد. اعطای آزادی مشروط از طرف دادگاه قانونا ارفاق تلقی می شود. بنابراین رد تقاضا قابل شکایت نیست همچنین رد تصمیم آزادی مشروط، مانع تقاضای دوباره نیست با توجه به متن ماده تصمیم دادگاه مبنی بر رد یا قبول پیشنهاد آزادی مشروط، حکم محسوب است و استفاده از عفو مانع استفاده از آزادی مشروط نیست (نظریه ۷/۶۶۷۹-۱۳۶۶/۱۰/۸) تعدد جرم

هم مانع استفاده از آزادی مشروط نیست (نظریه ۷/۵۲۹-۱۳۷۲/۲/۲۱).

نکته ای که در قانون ذکر نشده این است که آیا آزادی مشروط حتما باید به درخواست محکوم علیه باشد و یا راسا از طرف دادگاه هم امکان پذیر است؟ مواد ۳۸ و ۳۹ ق. م. ا. مصوب ۱۳۷۰ و ماده ۵۸ ق. م. ا. مصوب ۱۳۹۲ اشاره ای به درخواست محکوم علیه نکرده است اما آیا محکوم علیه می تواند از قبول آزادی مشروط امتناع کند؟ چون قانون آزادی مشروط را حکم دانسته است پاسخ منفی ارجح به نظر می رسد (کلدوزیان، ۱۳۹۳).

۴- شرایط برخورداری از امتیاز آزادی مشروط

صدور حکم آزادی مشروط، منوط به رعایت و حصول شرایطی می باشد. برخی از این شرایط، مربوط به نوع محکومیت کیفری است، برخی از آنها مربوط به شخص محکوم و برخی دیگر مربوط به شرایط شکلی و درخواست آزادی مشروط است.

۴-۱- شرایط مربوط به محکومیت کیفری

برخی از شرایط استفاده از امتیاز آزادی مشروط، مربوط به محکومیت کیفری می باشد؛ از جمله نوع و سابقه محکومیت و همچنین سپری شدن مدت خاصی از مجازات حبس که به تفصیل مورد بحث قرار می گیرد:

۱. نوع و سابقه محکومیت

طبق قوانین جزایی ایران، هر نوع محکومیت و مجازاتی مشمول مقررات آزادی مشروط قرار نمی گیرد. در خصوص نوع مجازات مشمول مقررات آزادی مشروط، ماده ۳۸ قانون مجازات ۱۳۷۰ مقرر می داشت: «هر کس برای بار اول به علت ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم شده باشد ...». در این زمینه، ماده ۵۸ قانون مجازات جدید نیز کمافی السابق، تنها محکومیت به مجازات حبس را مشمول مقررات آزادی مشروط می داند و مقرر می دارد: «در مورد محکومیت به حبس تعزیری، دادگاه صادرکننده حکم می تواند ...». لذا در خصوص قلمرو اعمال آزادی مشروط در قانون جدید، همانند قانون سابق، همچنان محکومیت به مجازات حبس در کنار سایر شرایط که در مباحث آتی ذکر خواهد شد - ملاک استفاده از امتیاز آزادی مشروط می باشد.

در زمان اجرای قانون سابق، در خصوص ذکر کلمه «حبس» به طور مطلق در ماده ۳۸ قانون مجازات ۱۳۷۰ و این که آیا منظور از آن حبس به معنای مطلق آن است یعنی شامل حبس های ناشی از حدود و قصاص نیز می شود یا فقط شامل حبس های تعزیری و بازدارنده می باشد، همواره ابهامات و اختلاف نظرانی میان حقوقدانان وجود داشت. پاره ای از حقوقدانان بر این عقیده بودند که هر چند کلمه «حبس» در ماده مذکور اطلاق دارد، لیکن به نظر می رسد که تنها حبس های تعزیری و بازدارنده را میتوان مشمول آن دانست؛ زیرا مجازات های حبس حدی مقدر است و قاضی در تعیین یا تغییر آن نقشی ندارد. لذا مشمول حکم ماده مذکور نمی گردد (نوربها، ۱۳۹۱: ۴۷۶). در مقابل، دسته ای دیگر از حقوقدانان بر این عقیده بودند که کلیه مجازات های حبس اعم از حدود، تعزیرات و بازدارنده و یا قوانین متفرقه دیگر، مشمول مقررات آزادی مشروط قرار خواهند گرفت. استناد این دسته، ذکر عبارت حبس به صورت مطلق در ماده مذکور بود (باهری، ۱۳۸۹: ۱۱۳). در نتیجه، طبق نظر

این دسته از حقوقدانان، اعمال مقررات آزادی مشروط در مواردی همچون بند «ج» ماده‌ی ۲۰۱ قانون مجازات ۱۳۷۰- مجازات حبس ابد در مرتبه‌ی سوم برای سارق حدی نیز قابل اعمال بود.

به نظر می‌رسد در این میان، حق با کسانی بود که حبس را به معنای مطلق آن در نظر می‌گرفتند، زیرا علاوه بر اطلاق عبارت حبس در ماده‌ی ۳۸، پیشینه‌ی تقنینی آزادی مشروط نیز مؤید این نظر بود؛ توضیح این که، قانونگذار در سال ۱۳۶۱ در ماده‌ی ۳۹ قانون راجع به مجازات اسلامی، فقط کسانی را مشمول مقررات آزادی مشروط می‌دانست که به مجازات «حبس تعزیری» محکوم شده باشند، لیکن در قانون مجازات ۱۳۷۰ (ماده‌ی ۳۸) کلمه‌ی «تعزیری» حذف شد و این امر خود نشان از گرایش مقنن به استفاده از آزادی مشروط برای کلیه‌ی محکومین به حبس داشت. نهایتاً قانونگذار با تصویب قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ به این اختلاف نظرها پایان داد. توضیح این که، بر اساس ماده‌ی ۵۸ قانون مجازات جدید، از این پس، فقط محکومین به «حبس تعزیری» مشمول مقررات آزادی مشروط می‌گردند و دیگر اطلاق موجود در قانون مجازات سابق در عبارت حبس وجود ندارد. بدین ترتیب، تنها محکومینی می‌توانند از امتیاز آزادی مشروط استفاده نمایند، که محکوم به مجازات حبس تعزیری شده باشند. اتخاذ چنین رویکردی، با توجه به غیر قابل تغییر بودن مجازات‌های حدی، منطقی نیز به نظر می‌رسد.

بحث دیگری که در خصوص ماده‌ی ۳۸ قانون مجازات ۱۳۷۰ مطرح می‌شد، این بود که آیا شمول ماده در مورد کسانی است که به طور کلی برای اولین بار مرتکب جرم مستوجب مجازات حبس شوند، یا این که منظور ماده کسانی است که قبلاً به مجازات‌های دیگری غیر از حبس محکوم شده و این اولین بار است که به مجازات حبس محکوم شده‌اند؟ در پاسخ به این پرسش، اکثریت دکتربین حقوق جزا قائل بر این نظر بودند که مشمولین قاعده‌ی تکرار جرم می‌توانند از مقررات آزادی مشروط استفاده کنند؛ یعنی اگر محکوم علیه قبلاً مرتکب جرمی شده که مجازات آن غیر از حبس بوده و اکنون برای بار اول مرتکب جرم جدیدی شده که مجازات آن حبس است، می‌توانست از آزادی مشروط استفاده کند، لیکن اگر مجازات جرم قبلی او حبس می‌بود و جرم جدید او نیز مجازات حبس داشت، نمی‌توانست از آزادی مشروط استفاده کند. نظریه‌ی مشورتی شماره ۱۳۸۰/۱۰/۴-۷/۵۰۸۰-۱۳۸۰ اداره‌ی حقوقی قوه قضاییه نیز مؤید همین امر بود. بدین ترتیب، بر اساس قانون مجازات ۱۳۷۰، ملاک استفاده از امتیاز آزادی مشروط، محکومیت به مجازات حبس برای بار اول بود و در نتیجه، فردی که برای چندمین بار به مجازات حبس محکوم می‌شد، حتی اگر تا آن لحظه از امتیاز آزادی مشروط استفاده نکرده بود، حق تقاضای استفاده از این امتیاز را نداشت. به نظر می‌رسد، این مسئله انگیزه‌ی محکومین به حبس‌های مکرر را در سعی بر اصلاح و تربیت و نشان دادن حسن اخلاق و رفتار در دوران محکومیت، تا حد زیادی از بین می‌برد.

خوشبختانه قانونگذار در قانون مجازات جدید، رویکرد متفاوت و جالبی را در برخورد با این مسئله اتخاذ نموده و طی اقدامی مدبرانه و شایسته، شرط محکومیت به مجازات حبس برای بار اول را ملغی نموده و در بند ۴ ماده‌ی ۵۸ قانون مذکور مقرر داشته که: «محکوم پیش از آن از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد». لذا زین پس، برای استفاده از امتیاز آزادی مشروط، محکومیت به مجازات حبس برای بار اول ملاک نیست، بلکه استفاده کردن از

امتیاز آزادی مشروط برای بار اول ملاک قرار گرفته است. به عبارت دیگر، حتی در حالتی که محکوم سه فقره سابقه‌ی محکومیت به مجازات حبس داشته باشد، ولی تا آن لحظه از امتیاز آزادی مشروط استفاده نکرده باشد، در مرتبه‌ی چهارم در صورت تمایل و حصول شرایط مد نظر قانونگذار، می‌تواند از این امتیاز استفاده کند. این شیوه‌ی قانونگذاری، هم از لحاظ مدنظر قرار دادن حقوق و منافع محکومین، و هم از نظر حصول اهداف اصلاحی - تربیتی مجازات‌ها، اقدامی در خور تحسین و توجه می‌باشد. البته در مقابل این نظر، برخی از حقوقدانان با رویکردی انتقادی نسبت به این مسئله واکنش نشان داده و اظهار نموده‌اند که با وجود شرط نداشتن سابقه‌ی استفاده از آزادی مشروط، معلوم نیست تفاوت میان کسی که قبلاً یک بار از امتیاز آزادی مشروط برخوردار شده و سربلند از این آزمون بیرون آمده است، با کسی که برای نخستین بار از این امتیاز منتفع می‌گردد چیست؟ مگر آن که گفته شود کسی که دارای سابقه‌ی محکومیت به حبس است و از این فرصت، استفاده نموده است، دگر بار شایستگی استفاده از این امتیاز را ندارد، در حالیکه چنین تبعیضی بی‌معناست، زیرا شرط استفاده از امتیاز آزادی مشروط، حسن اخلاق و بروز نشانه‌های اصلاح‌پذیری در دوران تحمل مجازات حبس است. با چنین شرطی، اگر کسی به مجازات حبس محکوم شده باشد، لیکن به هر دلیلی از امتیاز مذکور استفاده نکرده باشد و حکم محکومیت به حبس به صورت کامل به اجرا درآمده باشد، در محکومیت پسین به مجازات حبس، می‌تواند با اجتماع سایر شروط، از این امتیاز بهره‌مند گردد، حتی اگر به تکرار جرم متهم باشد (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲۳۰).

۲. شرط سپری شدن مدتی از مجازات

برای اطلاع از نحوه‌ی واکنش محکوم نسبت به مجازات در طول دوران محکومیت و اطلاع از حصول شرایط مدنظر قانونگذار جهت استفاده از امتیاز آزادی مشروط، قاعداً فرد باید مدتی از مجازات خود را در زندان سپری کند. این مدت در قانون مجازات ۱۳۷۰ (ماده‌ی ۳۸) همانند قانون ۱۳۶۱، نصف مدت مجازات حبس بود که ملاک احتساب در این موارد، مدت زمانی بود که در حکم دادگاه قید شده و به اجرا درآمده است. در خصوص مجازات حبسی که محکوم‌علیه از تخفیف قانونی و یا به موجب اختیار دادگاه از آن برخوردار شده نیز، مبنای احتساب، میزان حبس تخفیف یافته‌ای بود که برای او تعیین شده بود. همین حکم در مورد مجازات تقلیل یافته پس از عفو از جمله مجازات اعدام پس از تخفیف یا عفو محکوم‌علیه، در صورت تبدیل آن به مجازات حبس نیز صادق بود. یعنی همواره ملاک احتساب، مجازات تقلیل یافته بود (اردبیلی، همان، ص ۲۲۸؛ نظریات ۱۳۷۸/۵/۱۱-۷/۳۲۰۹؛ نظریات ۱۳۶۰/۶/۷-۷/۲۵۲۲ اداره‌ی حقوقی قوه قضاییه).

در قانون مجازات جدید نیز تقریباً همان رویه‌ی قانون سابق حاکم است، با این تفاوت که در خصوص میزان مدت مزبور، قانونگذار به نوعی از ماده‌ی ۳۸ سابق قانون مجازات ۱۳۷۰ الهام گرفته و در ماده‌ی ۵۸ آن مقرر می‌دارد که محکومان به حبس بیش از ۱۰ سال، پس از تحمل نصف مدت مجازات و در سایر موارد (یعنی در حبس تا ۱۰ سال) پس از تحمل یک سوم از مدت مجازات، می‌توانند متقاضی استفاده از آزادی مشروط گردند؛ چنین اقدامی در مقایسه با قانون سابق، از جهاتی قابل تحسین و سپاس است زیرا بر اساس قانون سابق، چنانچه فردی برای مثال به ۱۰ سال حبس محکوم می‌گشت، در صورتی می‌توانست از امتیاز آزادی مشروط استفاده

نماید که حداقل ۵ سال (۶۰ ماه) از مدت حبس خود را سپری کرده باشد، لیکن بر اساس قانون جدید، چنین فردی می‌تواند پس از گذراندن سه سال و ۴ ماه (۴۰ ماه) از مدت مجازات خود، متقاضی استفاده از امتیاز آزادی مشروط گردد. البته در خصوص محکومیت به حبس‌های بیش از ۱۰ سال، کما فی السابق، ملاک استفاده از آزادی مشروط، سپردن نصف مدت محکومیت می‌باشد.

مسئله‌ای که هم در قانون مجازات ۱۳۷۰ و هم در قانون مجازات جدید مغفول واقع شده است، مسئله‌ی «محکومان به حبس ابد» است. بحثی که همواره در میان حقوقدانان مطرح بوده، این است که آیا محکومان به حبس ابد می‌توانند از امتیاز آزادی مشروط استفاده کنند یا خیر؟ در این خصوص، تبصره‌ی ماده واحده‌ی قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان مصوب ۱۳۳۷ اشعار می‌داشت: «محکومین به حبس ابد پس از گذراندن دوازده سال حبس ممکن است از آزادی مشروط استفاده نمایند»، لیکن قانون مجازات ۱۳۷۰ و قانون مجازات جدید، در این مورد سکوت است.

اداره‌ی حقوقی قوه قضاییه نیز طی نظریات متعدد، حبس ابد را از شمول مقررات آزادی مشروط مستثنی نموده و اعلام نموده که حبس دائم، حتی پس از عفو و تقلیل مجازات، از شمول آزادی مشروط خارج است (نظریات ۱۳۷۲/۷/۷۲۵/۱۴۴۵؛ ۱۳۷۸/۸/۹-۷/۵۰۷۶ و ۱۳۷۸/۵/۱۱-۷/۳۲۰۹).

همچنین چنانچه حکم اولیه‌ی دادگاه، مجازات اعدام بوده باشد (نه حبس) و به لحاظ عفو به حبس ابد تبدیل و سپس به پانزده سال حبس تقلیل یافته باشد؛ مشمول مقررات آزادی مشروط نمی‌گردد (نظریه‌ی ۷/۳۵۴۴-۱۳۷۹/۴/۱۸ اداره‌ی حقوقی قوه قضاییه).

در زمان حاکمیت قانون مجازات ۱۳۷۰ و در سکوت قانون، برخی از حقوقدانان بر این عقیده بودند که در خصوص مجازات‌های حبس ابد، همچنان میتوان از تبصره‌ی ماده واحده‌ی قانون «راجع به آزادی مشروط زندانیان» استفاده کرد و به صرف این که در قانون مجازات به این مورد اشاره‌ای نشده است، نمیتوان اعتقاد به نسخ ضمنی این ماده واحده داشت و قانون مذکور، در آن قسمت که با قانون مجازات اسلامی مغایرتی ندارد، همچنان معتبر است (اردبیلی، ۱۳۹۱: ۲۵۱)؛ چرا که در تعریف نسخ ضمنی گفته شده است که نسخ ضمنی هنگامی است که پس از انتشار قانون (ماده واحده‌ی قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان) مقرراتی تصویب شود (ماده‌ی ۳۸ قانون مجازات اسلامی) که با قانون سابق قابل جمع نباشد؛ در این صورت، چون اجرای هر دو قانون امکان ندارد و معقول به نظر نمی‌رسد که قانونگذار اجرای دو امر متضاد را فرمان دهد، با توجه به اینکه قانون جدید آخرین اراده‌ی قانونگذار است، باید همان قانون جدید اعمال شود و قانون قدیم به طور ضمنی نسخ می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۱۷۰). در حالی که مغایرت و تضادی بین این قانون و ماده واحده وجود ندارد و با یکدیگر قابل جمع می‌باشد. در نتیجه به نظر این دسته، چون قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ در خصوص اعمال مقررات آزادی مشروط نسبت به حبس ابد حکمی نداشت و از طرفی بین ماده واحده و این قوانین مغایرتی وجود نداشت، استناد به تبصره‌ی ماده واحده‌ی مزبور خالی از اشکال بود. البته در مکتوبات همین دسته از حقوقدانان پس از تصویب قانون جدید، اثری از این قبیل نظریات دیده نمی‌شود، گویا به نوعی از نظریات سابق خود در خصوص امکان

استفاده ی مطلق محکومین به حبس ابد از آزادی مشروط عدول نموده و تنها در شرایط خاصی قائل به پذیرش امکان استفاده ی محکومین به حبس ابد از آزادی مشروط گشته‌اند. در هر حال، از جمله توالی فاسد عدم نسخ ماده واحده ی مزبور، مثالی همچون محکوم به حبس ۳۰ سال است که وفق صدر ماده، امکان استفاده از آزادی مشروط بعد از ۱۵ سال را دارد و در مقایسه با محکومین به حبس دائم، از شرایط نامساعدتری برخوردار گردیده است.

همچنین، شایان ذکر است که در خصوص آزادی مشروط در حبس‌های مؤبد تعزیری در قانون مجازات جدید، علیرغم آن که حکم این مسئله در ماده‌ی (۱۵۴-۵) متن اولیه ی لایحه پیش بینی شده بود، به لحاظ آن که بعداً در ماده‌ی ۱۹ مصوبه ۱۳۸۸/۵/۲۷ کمیسیون، حداکثر حبس تعزیری ۳۰ سال تعیین گردید، بلااثر تلقی و حکم اعطای آزادی مشروط در حبس‌های مؤبد حذف شد که مجدداً بدون آن که شورای محترم نگهبان بر چنین مسئله‌ای ایراد بگیرد، کمیسیون حقوقی در اصلاحیه‌ی ۱۳۹۱/۹/۱۴ با تغییر ماده‌ی ۱۹، سقف ۳۰ سال را برای حبس جرایم تعزیری حذف نمود که به منزله‌ی پذیرش تلویحی امکان حبس ابد در چنین جرایمی بود، ولی ظاهراً بیان مجدد حکم ناظر بر نحوه‌ی اعطای آزادی مشروط در این‌گونه حبس‌ها به فراموشی سپرده شد و در نتیجه، حکم مسئله در قانون مجازات جدید به سکوت واگذار شده است که به طور یقین نیاز به تصریح قانونی برای رفع این اشکال وجود دارد.

قابل ذکر است که در سیستم حقوقی کشورهای مختلف، محکومین به حبس ابد پس از سپری کردن مواعد خاص مقرر در قانون، می‌توانند از امتیاز آزادی مشروط استفاده نمایند. چنانکه محکومین به حبس ابد در سوئد پس از ۱۰ سال، در سوییس و آلمان پس از ۱۵ سال و در نروژ پس از ۲۰ سال، استحقاق استفاده از آزادی مشروط را خواهند یافت (کارمزدی، ۱۳۷۶: ۳۹).

۴-۲- شرایط مربوط به شخص محکوم

برخی از شرایط استفاده از امتیاز آزادی مشروط مربوط به شخص محکوم می باشد؛ از جمله احراز اصلاح محکوم و حسن سلوک مستمر در وی، اطمینان از عدم ارتکاب جرم در آینده توسط محکوم و تعیین تکلیف ضرر و زیان ناشی از جرم توسط وی که در ادامه به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرد:

۱. اصلاح محکوم و حسن سلوک مستمر

برای این که شخص محکوم بتواند از امتیاز آزادی مشروط استفاده کند، حصول و اجتماع یکسری شرایط در خود شخص محکوم نیز مد نظر قانونگذار قرار گرفته است. یکی از این شرایط، وجود حسن اخلاق و سلوک مستمر در فرد محکوم می باشد که این شرط در «بند ۱» ماده‌ی ۳۸ قانون مجازات ۱۳۷۰ مورد اشاره قرار گرفته بود و مطابق تبصره‌ی ۱ همان ماده، تایید این موضوع از اختیارات رئیس زندان محل گذراندن محکومیت و قاضی ناظر زندان و یا رئیس حوزه‌ی قضایی محل (دادستان) بود. در حقیقت قانونگذار، از میان محکومان به حبس، کسانی را شایسته‌ی استفاده از آزادی مشروط شناخته است که در مدت اجرای مجازات، به نحو مستمر از خود حسن اخلاق

نشان داده باشند. احتمالاً قانونگذار خواسته است با توجه به روحیات و خلق و خوی محکومان، دلیلی بر اصلاح آنان و کفایت مجازات به دست داده باشد. در هر حال، هیچ گاه نباید تنها به ظواهر رفتار زندانیان که ممکن است به انگیزه‌ی نیل به آزادی در حفظ آن بسیار بکوشند، اکتفا نمود (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲۲۹) و این مسئله باید با بررسی‌های دقیق کارشناسی و تحت نظر روانشناسان زبده بررسی و احراز گردد.

شرط مذکور در قانون سابق، بدون تغییر چندانی در بند ۱ ماده ۵۸ قانون جدید نیز مجدداً تکرار و مقرر گشته که: «محکوم در مدت اجرای مجازات همواره از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد» و بر اساس ذیل ماده‌ی مذکور، این موضوع پس از گزارش رئیس زندان محل گذراندن محکومیت، باید به تأیید قاضی اجرای احکام کیفری برسد و قاضی اجرای احکام نیز موظف است وضعیت زندانی را درباره‌ی تحقق شرایط مذکور بررسی و در صورت احراز آن، پیشنهاد آزادی مشروط را به دادگاه تقدیم نماید. تحقیق در خصوص سابقه‌ی زندانی، برای قاضی ناظر زندان ضروری است و در صورتی که قاضی ناظر زندان در این خصوص اقدام ننماید، دادگاهی که مشغول رسیدگی و صدور حکم آزادی مشروط زندانی است، مکلف است شرایط لازم از جمله وضعیت سابقه‌ی محکومیت کیفری زندانی را بررسی و در صورتی که حائز شرایط باشد، نسبت به صدور حکم آزادی اقدام نماید (نظریه‌ی ۷/۴۸۷۰-۱۳۷۷/۷/۶ اداره‌ی حقوقی قوه قضاییه). بدین ترتیب، تأیید حسن سلوک و اخلاق مستمر زندانی، که در قانون سابق از اختیارات رئیس زندان محل گذراندن محکومیت و قاضی ناظر زندان و یا رئیس حوزه‌ی قضایی محل (دادستان) بود، مطابق قانون جدید، منحصراً در اختیار قاضی اجرای احکام کیفری قرار دارد و از میان مقامات مندرج در قانون سابق، تنها رئیس زندان محل گذراندن محکومیت، وظیفه‌ی گزارش موضوع به قاضی اجرای احکام را دارد. نکته‌ی جالب این که قانونگذار در قانون جدید، قاضی اجرای احکام را موظف نموده که علاوه بر بررسی وضعیت زندانی در خصوص حسن سلوک و رفتار مستمر در دوران محکومیت، در صورت احراز، پیشنهاد آزادی مشروط را به دادگاه تقدیم نماید، در حالی که در قانون سابق، تکلیف و اجباری در این خصوص متوجه مقامات مربوطه نبود و این مسئله، یکی از اقدامات مثبت و جالب توجه قانونگذار در جهت تسهیل اعطای آزادی مشروط به محکومین واجدین شرایط و احقاق حقوق آنان در این زمینه می‌باشد.

۲. اطمینان از عدم ارتکاب جرم در آینده

شرط دیگری که باید در محکوم وجود داشته باشد تا مشمول امتیاز آزادی مشروط گردد، این است که حالات و رفتار وی در دوران محکومیت گویای این باشد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرم نخواهد شد. در این خصوص شاید بتوان یکی از قرائن را همان حسن رفتار زندانی در مدت اجرای حکم فرض کرد، ولی این قرینه چندان اطمینان بخش نیست. سنجش حالت خطرناک که از لحاظ جرم‌شناسی بالینی، متضمن ارزشیابی ظرفیت جنایی بزهکار است، کاری دقیق و با جلب نظر کارشناس، شدنی است و گرنه ممکن است در این باره به قضاوتی نادرست رسید و جامعه را با خطر دیگری روبه‌رو ساخت. شرط مزبور در بند ۲ ماده‌ی ۳۸ قانون سابق بدین نحو پیش‌بینی شده بود: «هر گاه از احوال محکوم پیش‌بینی شود که پس از آزادی دیگر مرتکب جرمی نخواهد شد» که بر اساس تبصره‌ی ۱ همان ماده، تشخیص و تأیید صحت امر، به رئیس زندان محل گذراندن محکومیت و قاضی

ناظر زندان و یا رئیس حوزه قضایی (دادستان) واگذار شده بود. در قانون جدید نیز همین شرط با اندک تغییرات لفظی در بند ۲ ماده ۵۸ مورد پیش بینی قانونگذار قرار گرفته است و مقرر گشته که: «حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی دیگر مرتکب جرم نمی شود» و بر اساس ذیل ماده همانند بند پیشین این موضوع پس از گزارش رئیس زندان محل گذراندن محکومیت باید به تأیید قاضی اجرای احکام کیفری برسد و قاضی اجرای احکام موظف است وضعیت زندانی را درباره‌ی تحقق شرط مذکور و سایر شرایط لازم بررسی و در صورت احراز آن، پیشنهاد آزادی مشروط را به دادگاه تقدیم نماید.

۳. تعیین تکلیف ضرر و زیان ناشی از جرم

شرط لازم دیگر برای اعطای آزادی مشروط از نظر قانونگذار، تعیین تکلیف ضرر و زیان ناشی از جرم از سوی محکوم می‌باشد. ضرر و زیان مدعی خصوصی از مصادیق الزامات مالی است که بزهکار مکلف است ترتیبی برای پرداخت آن بدهد یا به هر تقدیر با متضرر از جرم مصالحه کند.

شرط مزبور، در بند ۳ ماده ۳۸ قانون مجازات سابق بدین نحو مقرر شده بود: «هرگاه تا آنجا که استطاعت دارد، ضرر و زبانی که مورد حکم دادگاه یا مورد موافقت مدعی خصوصی واقع شده، بپردازد یا قرار پرداخت آن را بدهد و در مجازات حبس توأم با جزای نقدی، مبلغ مزبور را بپردازد یا با موافقت رئیس حوزه قضایی ترتیبی برای پرداخت داده باشد». که بر اساس تبصره‌ی ۱ همان ماده، مراتب مذکور در خصوص پرداخت جزای نقدی و ضرر و زیان ناشی از جرم، نیازمند تأیید و موافقت قاضی مجری حکم بود. در قانون مجازات جدید، قانونگذار مجدداً شرط مزبور را با تغییراتی در بند ۳ ماده ۵۸ مورد اشاره قرار داده و مقرر می‌دارد: «به تشخیص دادگاه، محکوم تا آنجا که استطاعت دارد، ضرر و زیان مورد حکم یا مورد موافقت مدعی خصوصی را بپردازد یا قرار برای پرداخت آن ترتیب دهد».

تفاوت بارز ماده ۵۸ قانون جدید با ماده ۳۸ قانون مجازات سابق، حذف جمله‌ی «و در مجازات حبس توأم با جزای نقدی، مبلغ مزبور را بپردازد یا با موافقت رئیس حوزه قضایی ترتیبی برای پرداخت داده شده باشد» است. با حذف این بند، به نظر می‌رسد قانونگذار با نظر ارفاقی بیشتری با محکومین برخورد نموده و صدور حکم آزادی مشروط، دیگر پیش‌نیازی تحت عنوان پرداخت جزای نقدی (در احکامی که حبس توأم با جزای نقدی دارند) ندارد و با این اقدام، باز هم شرایط استفاده از امتیاز آزادی مشروط برای محکومین نسبت به قانون مجازات سابق، هموارتر گشته است.

لازم به ذکر است که جلب رضایت مدعی خصوصی، شرط استفاده از آزادی مشروط نمی‌باشد (نظریه‌ی ۱۶/۴۰۷- ۱۳۷۸/۸/۹ اداره‌ی حقوقی قوه قضاییه) اما طبق صراحت بند «پ» ماده ۵۸ قانون مجازات جدید که مقرر نموده: «محکوم تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیان مورد موافقت مدعی خصوصی را بپردازد»، تا زمانی که این شرط حاصل نشود، امکان صدور حکم آزادی مشروط وجود ندارد. در عین حال ممکن است مدعی خصوصی به رغم پرداخت ضرر و زیان، رضایت ندهد.

نکته ی قابل توجهی که در قانون مجازات سابق وجود داشت، این بود که اعسار فرد از پرداخت خسارت مدعی

خصوصی، مانع استفاده از آزادی مشروط نمی شد و دادگاه می‌توانست با قرار دادن شرایطی از جمله تقسیط آن یا در صورت مصالحه‌ی محکوم با مدعی خصوصی، آزادی مشروط را به فرد اعطا کند، لیکن برخلاف این مورد، اعسار از پرداخت یکجا یا به تقسیط جزای نقدی با توجه به غیرقابل مصالحه بودن آن می‌توانست مانع اعطای آزادی مشروط به محکوم علیه گردد و چنانچه برای دادگاه محرز می‌گشت که محکوم پس از آزادی، توان پرداخت جزای نقدی مورد حکم دادگاه را ندارد و نمی‌تواند ترتیبی برای پرداخت آن نیز بدهد، می‌توانست وی را از امتیاز استفاده از آزادی مشروط محروم سازد. البته برخی از حقوقدانان بر این عقیده بودند که در صورتی که محکوم نتواند ترتیبی برای پرداخت جزای نقدی بدهد و در نهایت معسر شناخته شود، منعی برای استفاده از آزادی مشروط وجود ندارد (اردبیلی، ۱۳۹۱: ۲۵۲). لیکن به نظر می‌رسد، از مفهوم مخالف عبارات ماده، نظر پیشین تقویت می‌گشت و نظریه‌ی مشورتی شماره‌ی ۷/۹۷۴۶-۱۳۸۲/۱۱/۱۸-اداره حقوقی قوه قضاییه نیز مؤید همین نظر و رویکرد سختگیرانه‌ی قانونگذار در قبال پرداخت جزای نقدی بوده است.

۵- اصلاحات و نوآوری‌های آزادی مشروط در قانون مجازات ۱۳۹۲

- ۱) حذف قید «بار اول» و اضافه شدن شرط استفاده نکردن از آزادی مشروط.
- ۲) اصلاح عبارت مطلق «مجازات حبس» به عبارت «حبس تعزیری».
- ۳) تفکیک بین محکومیت‌های حبس بیش از ۱۰ سال و کمتر از آن برای استفاده از آزادی مشروط.
- ۴) تغییر عبارت «دادگاه صادرکننده دادنامه محکومیت قطعی» به «دادگاه صادرکننده حکم».
- ۵) اضافه شدن کلمه «حسن رفتار» پس از عبارت «حسن اخلاق» در بند «الف» ماده ۵۸ قانون جدید.
- ۶) تغییر مقام پیشنهاددهنده آزادی مشروط در قانون جدید که دادستان و قاضی اجرای احکام است، برخلاف قانون سابق که سازمان زندان‌ها پیشنهاد دهنده و دادستان یا دادیار ناظر تاییدکننده آن بودند.
- ۷) گزارش رییس زندان در صورت وجود شرایط آزادی مشروط.
- ۸) تایید دارا بودن شرایط آزادی مشروط توسط قاضی اجرای احکام.
- ۹) تفهیم ضمانت اجرای تبعیت نکردن از دستورهای دادگاه در مدت آزادی مشروط یا ارتکاب جرم جدید.
- ۱۰) افزایش یک تا دو سال به آزادی مشروط برای بار اول در صورت تبعیت نکردن از دستورات دادگاه بدون عذر موجه.
- ۱۱) موارد لغو آزادی مشروط در الف- ارتکاب یکی از جرایم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت. ب- تکرار تبعیت نکردن از دستورهای دادگاه در مدت آزادی مشروط بدون عذر موجه.

نتیجه گیری

آزادی مشروط نوعی فردی کردن نیمه قضایی، نیمه اجرایی است که توسط مقامات اجرایی و قضایی مشترکاً اعمال می‌گردد. هدف اصلی فردی کردن مجازات‌ها، صدور احکام جزایی با اهداف اصلاحی و بر مبنای علم و تجربه می‌باشد. وقتی قاضی دادگاه حکم به محکومیت شخصی صادر می‌کند از واکنش او در مقابل مجازات بی‌اطلاع

است. در مواردی ممکن است این واکنش مثبت باشد و اصلاح مجرم قبل از خاتمه محکومیت تحقق یابد. آزادی مشروط راه حلی است تا چنین شخصی بی‌جهت در حبس نماند. در ادوار مختلف تاریخی حقوق کشور ما، آزادی مشروط وجود داشته است. قانونگذار، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ سعی بر آن داشته تا موارد استفاده از آزادی مشروط را افزایش دهد و به همین جهت به جای اینکه یکی از شرایط استفاده از این نهاد را عدم محکومیت به حبس قبلی بداند، شرط عدم استفاده‌ی قبلی محکوم از آزادی مشروط را بیان داشته است. قانونگذار در قانون جدید سعی نموده تا موارد لغو آزادی مشروط را کاهش دهد و به همین لحاظ شرایط ماده‌ی ۶۱ قانون جدید را جایگزین تبصره‌ی ۳ ماده‌ی ۳۸ قانون سابق نماید. قانون جدید، حاوی ایراداتی نیز هست که از جمله می‌توان به سکوت قانونگذار نسبت به شمول آزادی مشروط بر حبس ابد، اشاره نمود.

لازم به ذکر است که در قانون سابق به لحاظ متن ماده‌ی ۳۸ قانون مجازات اسلامی آزادی مشروط شامل کلیه حبس‌ها اعم از تعزیری و غیر آن می‌باشد در حالی که در قانون جدید قانونگذار صراحتاً و صرفاً حبس‌های تعزیری را مورد امان نظر قرار داده و سایر حبس‌ها را از دایره شمول آزادی مشروط خارج نموده است. در واقع در پذیرش نهاد آزادی مشروط در حقوق کیفری ایران قانونگذار از رویکرد کیفری و جرم‌شناختی متأثر شده است.

توجه به حقوق جامعه و تأمین نظم و امنیت عمومی سبب شده است که، براساس ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی اعطای آزادی مشروط برای محکومان به حبس تعزیری بیش از ده سال منوط به گذراندن نصف مجازات موقوف شود. قانونگذار با تقلیل شرط گذراندن نصف مجازات به یک سوم آن تمایل به موضوع حبس زدایی و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها پیدا کرده است. همچنین در بند ب ماده ۵۸ قانون مذکور یکی از شرایط اعطای آزادی مشروط این است که حالات و رفتار او نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی‌شود. این بند بیش از هر چیز دغدغه قانونگذار مبنی بر حمایت از جامعه در برابر مجرمین را نشان می‌دهد. تکرار یا ارتکاب یکی از جرایم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت بر اساس ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی موجبات منتفی شدن آزادی مشروط را فراهم می‌سازد که بیش از هر چیز نشانگر توجه قانونگذار به تأمین امنیت جامعه از رهگذر سلب شرایط استحقاق از چنین افرادی دارد اما برجسته‌ترین هدف آزادی مشروط که به نظر رویکرد اصلاحی مجرم است براساس بند الف ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی دنبال شده است و حسن اخلاق و رفتار محکوم در طی مدت مجازات از شرایط اعطای آزادی مشروط ذکر شده است. پیش‌بینی آزادی مشروط همراه با دستورهای مذکور در تعویق صدور حکم یا تعویق مجازات نیز از توجه ویژه قانونگذار به ادامه فرایند بازپروری در بیرون از زندان دارد. براساس قانون جدید مجازات اسلامی هرچند جبران خسارات بزه دیده یکی از شرایط اعطای آزادی مشروط ذکر شده است اما اختیار احراز این شرط از شرایط عینی تعیین شده قانون قبلی خارج و تا حدود زیادی به تشخیص دادگاه واگذار شده است که در مواقعی می‌تواند منافع بزه دیده را با خطر مواجه سازد. به هر حال، اعمال مقررات مربوط به آزادی مشروط زندانیان محکوم به حبس تا حدود زیادی در کاهش جمعیت کیفری و اصلاح بزهکاران مفید و مؤثر خواهد بود. امید است که قضات محاکم در صورت دارا بودن شرایط لازم

موجبات اعمال مقررات مربوط به آزادی مشروط زندانیان محکوم به حبس را فراهم آورند تا هم شاهد کاهش جمعیت کیفری زندانیان بوده و هم با بازگشت محکوم علیه به کانون خانواده، شاهد جلوگیری از احتمال از هم پاشیدگی آن باشیم.

منابع

- آشوری، محمد، ۱۳۹۴، جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، چاپ سوم، تهران، گرایش.
- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۱، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، نشر میزان.
- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۳، حقوق جزای عمومی، جلد سوم، تهران، نشر میزان.
- باهری، محمد، ۱۳۸۹، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، چاپ سوم، تهران، انتشارات مجد.
- حاجی ده آبادی، احمد، ۱۳۹۰، تأملی پیرامون مجازات حبس در نظام حقوقی اسلام، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال سوم، شماره ۴، ص ۶۸-۴۷.
- صانعی، پرویز، ۱۳۸۸، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ هشتم، تهران، انتشارات طرح نو.
- صبری، نور محمد، ۱۳۸۹، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات میزان.
- فرج اللهی، رضا، ۱۳۸۹، جرم شناسی و مسئولیت کیفری، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۱، مقدمه‌ی علم حقوق، چاپ هشتاد و یکم، تهران، نشر انتشار.
- کارمزدی، عبدالکریم، ۱۳۷۶، آزادی مشروط زندانیان، نشریه دادرسی، شماره اول، ص ۴۰-۳۵.
- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۹۳، محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد.
- مکشین، مارلین، ویلیامز، فران، ۱۳۸۱، پذیرش فرهنگ زندان، ترجمه حسین غلامی، پژوهش حقوق و سیاست دانشگاه تهران، دوره ۴، شماره ۷، ص ۱۷۵-۱۵۹.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۸۶، مجازات های جامعه‌مدار در لایحه قانون مجازات های اجتماعی جایگزین زندان: راهکاری برای کاهش جمعیت زندان، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- نوربها، رضا، ۱۳۹۱، زمینه‌ی حقوق جزای عمومی، چاپ سی و چهارم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- نوروزی فیروز، رحمت الله، ۱۳۹۰، حقوق جزای عمومی، مجازات‌ها، تهران، نشر میزان.
- Albrecht, H. J. (2012), Prison overcrowding-finding effective solutions: strategies and best practices against overcrowding in correctional facilities, Max-Planck-Institut für Ausländisches und Internationales Strafrecht.